

میقات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی
سال چهارم، تابستان ۱۳۸۱



صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
مدیر مسئول: سیدعلی قاضی عسکری
زیر نظر: هیئت تحریریه

مدیر داخلی و ویراستار: علی ورهانی
صفحه آرایی و گرافیک: محمد رسولی لرد
خروجی چینی: مرکز تحقیقات حج
لیتوگرافی و چاپ: مشعر

نشانی:

تهران - خیابان آزادی - نبش خوش - سازمان حج و زیارت
معاونت فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری

نشانی اینترنت: www.hajj.ir

نشانی پست الکترونیک: Miqat_haj@Gmail.com

قم - صندوق پستی: ۳۷۱۷۵۱۱۱۳

یادآوری:

مسئولیت آرا و نظریات به عهده نویسندگان آن است.
میقات حج، در ویرایش مطالب آزاد است.
مقالات رسیده بازگردانده نخواهد شد.

فهرست

اسرار و معارف حج

تذکرات آیت‌الله جوادی آملی به دانشجویان عمره‌گزار / ۶
آیت‌الله جوادی آملی

فقه حج

طواف از طبقه دوم مسجدالحرام / ۱۴

مصطفی آخوندی

نماز مسافر در اماکن چهارگانه (۱) / ۴۵

مهدی درگاهی

تاریخ و رجال

خفتگان در بقیع (۸) / ۷۶

علی اکبر نوایی

حرم مطهر جناب عبداللّه در بستر تاریخ / ۱۰۳

ابوالفضل زنگنه

از نگاهی دیگر

مهارت‌های روان‌شناختی مورد نیاز روحانیون کاروان‌های زیارتی / ۱۲۶

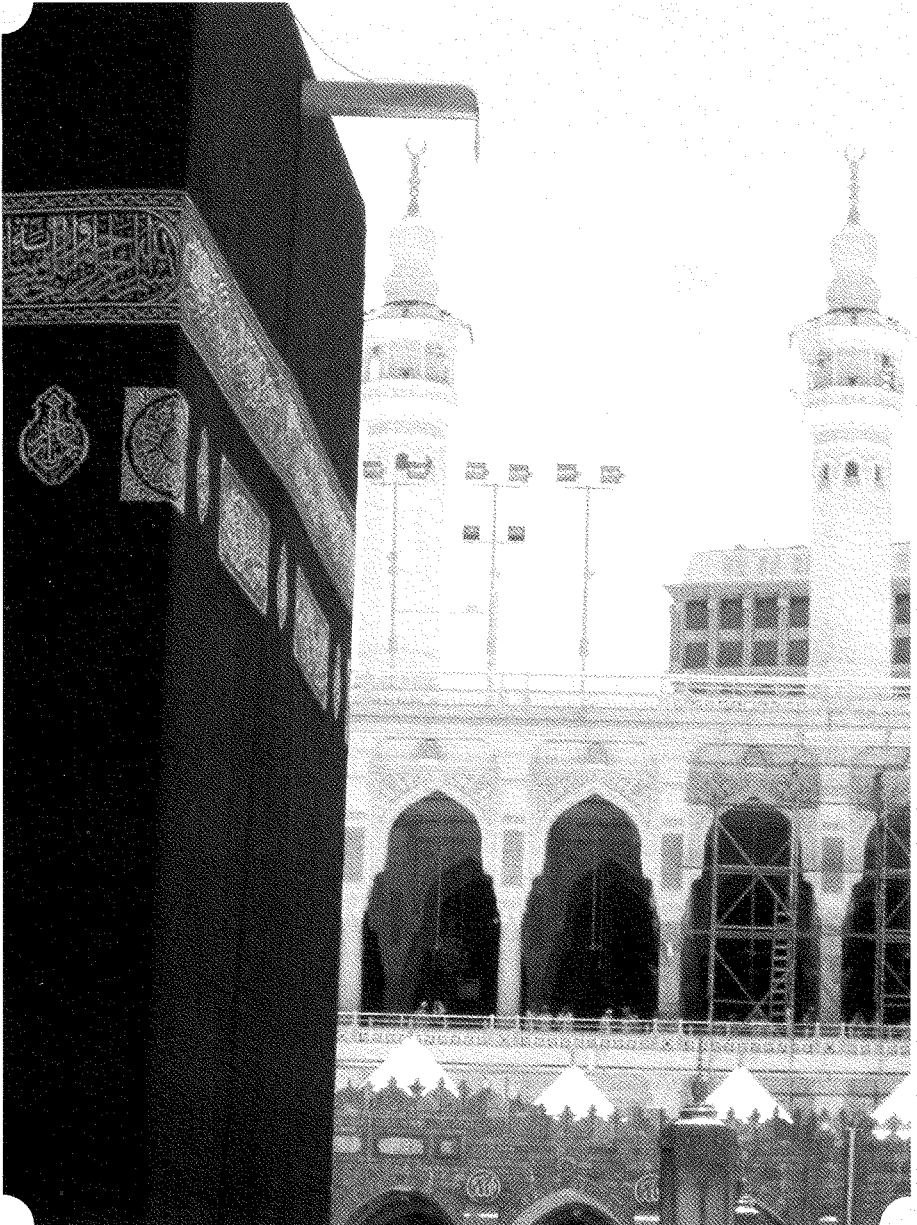
محمد حسین شریفی نیا

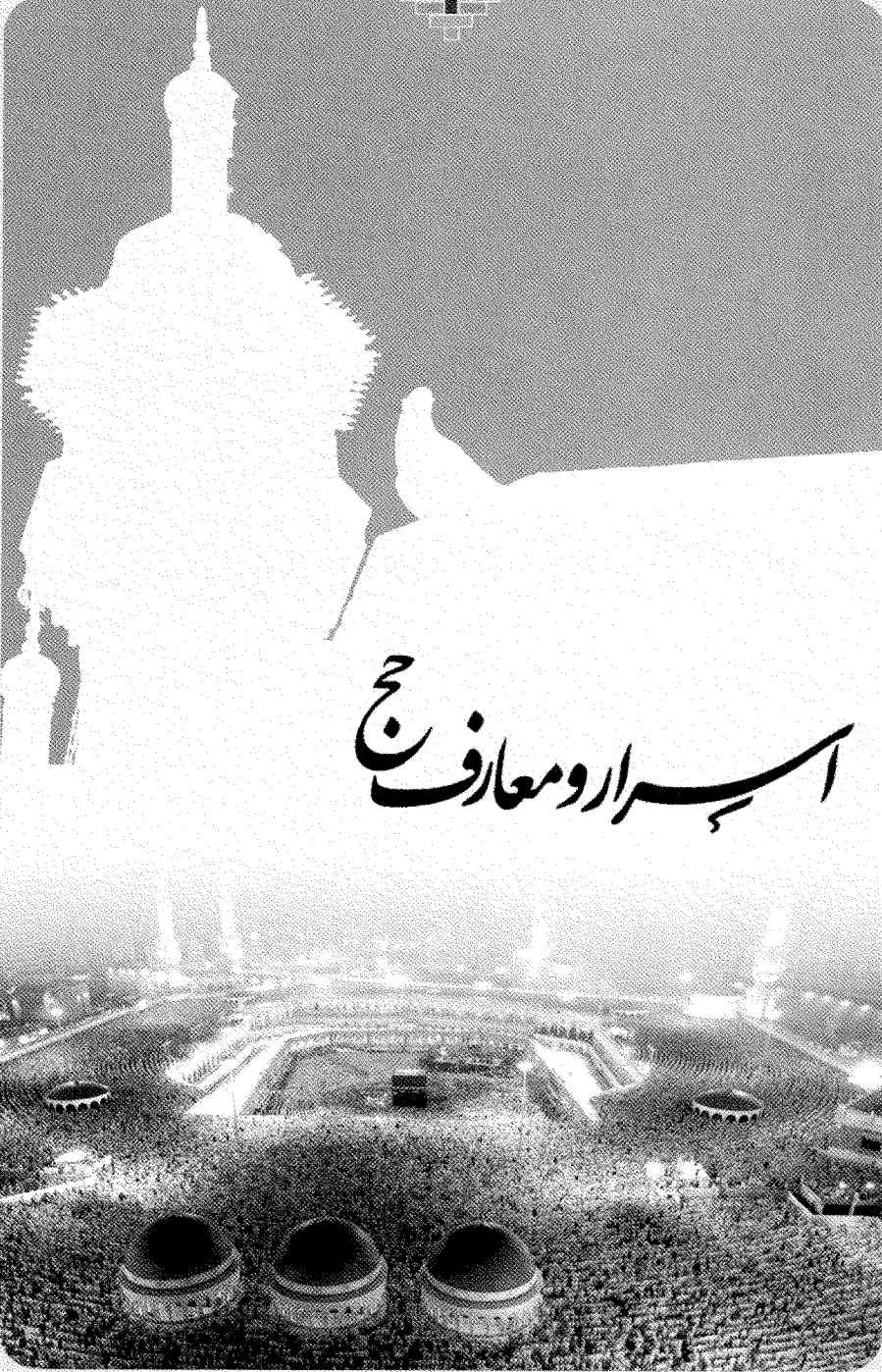
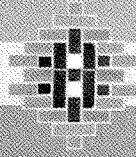
منش روحانی و آداب تبلیغ (۲) / ۱۴۱

علی عارفی مسکونی

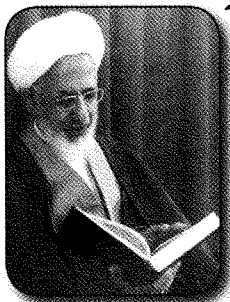
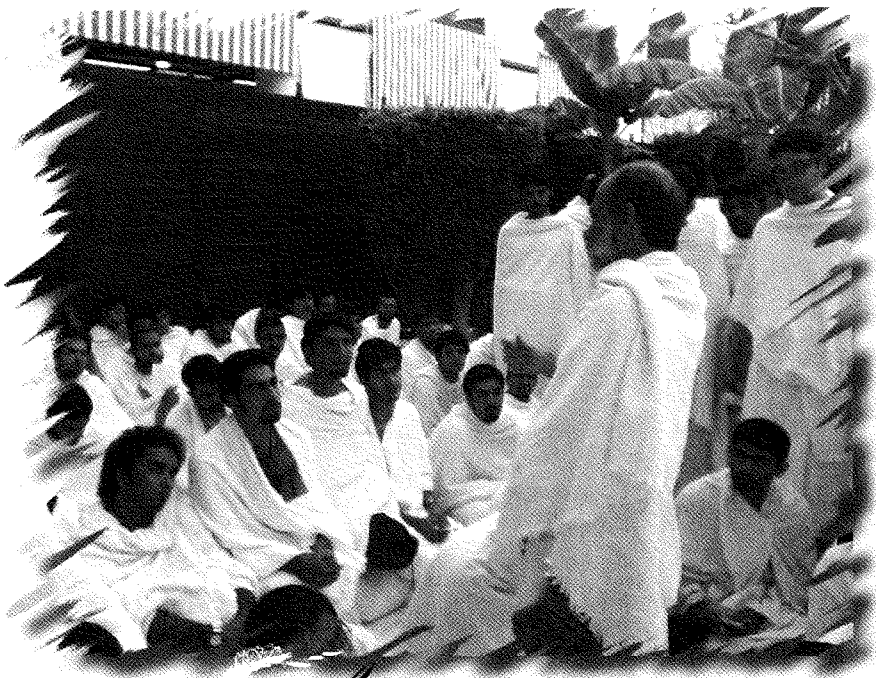
اخبار و گزارش‌ها

خبرهایی از حج، عربستان و ... / ۱۷۸





اسرار و معارف حج



تذکرات آیت الله جوادی آملی در نگاه میان عمره گزار

حضرت آیت الله جوادی آملی، طی پیامی به عمره گزاران دانشگاهی، در تابستان سال ۱۳۸۹، شش نکته را یاد آور شده اند که زیبا و خواندنی است. متن این پیام گرچه در برخی مطبوعات و رسانه های مجازی انتشار یافته، اما به جهت تناسب مطالب آن با فصلنامه «میقات حج» و قابل استفاده بودن برای خوانندگان این فصلنامه، اقدام به نشر آن در این شماره نمودیم:

«میقات حج»

حمد ازلی خدای را سزاست که عرش را مطاف جبروتیان قرار داده، تحیت ابدی پیامبران به ویژه حضرت ختمی نبوت ﷺ را رواست که چونان ملکوتیان، طوف بیت معمور را در برنامه دارند و درود بیکران الهی دوده طاهها و اُسر یاسین، مخصوصاً حضرت ختمی مرتبت امامت مهدی موجود موعود را به جاست که طائفان کعبه را رهبری نموده و عاکفان حرم خدا را از حرامی‌ها دور داشته و میهمانان کوی حق، خصوصاً دانشجویان پاک نهاد و حدیث العهد به فطرت را در حجر خویش صیانت کرده و مانع مهجوریت آنان خواهد بود.

به این ذوات قدسی تولی داریم و از معاندان آنها تبری می‌نماییم.

آنچه در این نوشتار کوتاه به عنوان بدرقه معتمران نو سال و عمره گزاران دانشگاهی تقدیم می‌شود، جهت التماس دعا از نیایشگران زمزم خوی و مُحرمان مشعر جوی و حاجیان لبیک گوی است که در طی چند نکته ارائه خواهد شد:

* یکم: انسان ره یافته به کوی حق، قلبی دارد که خود عرش رحمان است و قالبی دارد که کعبه محور است. چنین انسانی که ملک و ملکوت او را یاد خدا در دل و نام خدا در لب اداره می‌نماید هویتی دارد که از گزند کزراه روی محفوظ و از آسیب کج‌اندیشی مصون است؛ آنچه در مراسم دینی گفته می‌شود: «وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي» پیامی فراتر از تفکیک دین از سیاست و دستوری رساتر از تجزیه دنیا از آخرت به همراه دارد؛ زیرا عصاره این عبارت، عبور از هر گونه تفکیک ناصواب و گذر از هر تجزیه نارواست، چون انسان متعهد در تمام شؤون حیاتی خویش قبله‌ای دارد که از نقطه اعتدالی آن هرگز عدول نمی‌کند و تنها مدار آن دین خداست که از رهگذر عقل برهانی و نقل معتبر قرآنی و روایی معصومان علیهم‌السلام استخراج می‌شود.

* دوم: شعارهای کلیدی اسلام با اصول اعتقادی آن هماهنگ بوده و دستور استمرار بیداری و غفلت‌زدایی را به همراه دارد. آنچه از نکته قبل گذشت «وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي» با آنچه در قرآن حکیم صریحاً اعلام شد: «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» بیان‌گر لزوم مراقبت دائم و محاسبه متصل و مواظبت پی‌گیر است.

نموداری از توجه به احاطه همه جانبه خداوند و مثالی از لحاظ مطلق بودن انسان به

دستور الهی جهت پاکسازی این بیت مردمی چنین صادر شد که امیر موحدان، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بر دوش مبارک عصاره هستی قرار گیرد و بت را به دور انداخته و حرم توحید را از روٹ صنم و لوٹ و تَن پاک کند و در این دستور سرّی نهفته است که برخی از روایات اهل بیت وحی علیهم السلام از آن پرده برداشته‌اند که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله حضرت علی علیه السلام بالا سرود بلکه حضرت وصی به سبب حضرت نبی رفیع شود.



آگاهی پروردگار را می‌توان در درون کعبه مشاهده نمود.

کسی که وارد کعبه شد معنای «أَينَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ قِبَلَهُ» را کاملاً می‌فهمد و همین را آیت آیه «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوْا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» قرار می‌دهد. آن گاه معنای «وَالْكَعْبَةُ قِبَلَتِي» را بار دیگر مرور می‌کند، سپس خود را در جهان پرآینه می‌نگرد؛ چنان که مولای موحدان، امیرمومنان، علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «وَتَشْهَدُ لَهُ الْمَرَائِي لَا بِمَحَاضِرَةٍ» و هر لحظه خویش را شهود خدا می‌یابد و تمام کارهای جانحه و جارحه خود را در خدمت صاحب کعبه قرار می‌دهد و حج و عمره را نموداری از وفاداری به میثاق قرآن و عترت اطهار می‌داند و همه مناسک آن را در همین مدار تفسیر می‌کند.

* سوم: کعبه که مطاف همگان و قبله همگی است، نمادی از بیت معمور بوده و آن نیز آیتی از عرش الهی است. جهان عینی که انسان کبیر است، به صورت انسان مؤمن آگاه که جهانی است بنشسته در گوشه‌ای، با همه نمادهای دینی که دارد در انسان متجلی است. کعبه عینی روزی بتکده شده بود و موحدان روی به کعبه نگران و غمگین. دستور الهی جهت پاکسازی این بیت مردمی چنین صادر شد که امیر موحدان، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بر دوش مبارک عصاره هستی قرار گیرد و بت را به دور انداخته و حرم توحید را از روٹ صنم و لوٹ و تَن پاک کند و در این دستور سرّی نهفته است که برخی از روایات اهل بیت

وحی ﷺ از آن پرده برداشته‌اند که حضرت پیامبر ﷺ به وسیله حضرت علی ﷺ بالا نرود بلکه حضرت وصی به سبب حضرت نبی رفیع شود. به هر تقدیر در پرتو جمع نبوت و امامت کعبه بیرون از رجز شرک و رجس الحاد تطهیر شود. این صحنّه آموزنده همگان، مخصوصاً دانشگاہیان معتمّر را به تنزیه ساحت روح از توجه به غیر خدا فرا می‌خواند و ره‌یافت آن را تمسک به نبوت و ولایت؛ یعنی به قرآن و عترت می‌داند؛ چنانچه ابوالمجد، مجدود بن آدم سنایی غزنوی گفته است:

شرک پادار شد هلاکش کن	کعبه بتخانه گشت پاکش کن
مر علی را تو این عمل فرمای	تا نهد بر عزیز کتف تو پای
کعبه از بت به جمله پاک کند	مشرکین را همه هلاک کند ^۱

* چهارم: «حج» که آهنگ هماهنگ با دعوت بنیانگذار کعبه است و «عمره» که معمور نمودن بیت ویژه الهی است، با تلبیه آغاز می‌شود و معنای آن پاسخ مثبت به ندای خداوند است و چون صدای الهی دائمی است، جواب آن نیز مستمر خواهد بود و اگر در باره موحدان ناب چنین آمده است که: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ برای آن است که اینان همواره به یاد خدا در دل و به نام وی در لب متنعّم‌اند. حاجیان کعبه و متعمران بیت خدا، وقتی از آن حج و از این عمره طرفی می‌بندند که دائماً تلبیه را در دل و تکبیر را بر لب حفظ نمایند و معنای صیانت آن و حفظ این، همانا پرهیز از کژروی و دوری از راه بندی است؛ به طوری که هرگز بیراهه نرویم و راه کسی را نیز نبندیم تا بتوان درباره ما گفته شود: «الذین هم فی حجّهم و عمرتهم دائمون»؛ زیرا حج مقطعی و عمره موسمی، تمرینی برای تداوم تلبیه در ساحت قدس ربوبی است. شهود توحید با آیات بین که مخصوص سرزمین وحی است، ﴿فیه آیاتٌ بیناتٌ مقامٌ إِبْرَاهِيمَ﴾ زائران کوی حق را به جایی رساند که:

تفل او فرق عرش را ساید	لعل او زیب فرش را شاید
عقل درمانده را بدین در خواند	زانکه درمانده هر که زین در ماند

و به وی چنین معرفت می‌بخشد که اگر به این در نرود برای همیشه در می‌ماند.

۱. حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة - اثر ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، تصحیح مدرّس رضوی - سید محمدتقی، ص ۲۱۳ - چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۸

* پنجم: هر چند تمام موجودات از رزق پروردگار بهره‌مندند، لیکن خداوند میهمانان ویژه‌ای دارد که آنان را با روزی مخصوص پذیرایی می‌نماید و این ضیافت در زمان خاص و در زمین مختص و با زبان اختصاصی صورت می‌پذیرد:

- زمان خاص آن ماه مبارک رمضان است که مردان سالک صالح آن را طبق نصوص روایی و دعایی آغاز سال سیر و سلوک محسوب می‌دارند و سود و زیان و فراز و فرود اخلاقی خویش را با فرا رسیدن ماه مبارک دیگر ارزیابی می‌نمایند.

- زمین مخصوص آن با منطقه هبوط وحی و استقرار کعبه و جوشش زمزم و مسعای بین صفا و مروه و مانند آن است که حاجیان و معتمران در این سرزمین میهمانان خاص خداوندند.

- زبان اختصاصی آن نغمه پرتین «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است که دالان ورودی توحید را نفی هرگونه بت پرستی می‌داند؛ خواه بت درون که با اضلال نفس مُسَوِّله و اغوای نفس اماره سامان می‌پذیرد و خواه بت بیرون که با وسوسه ابلیس و دسیسه استکبار، استعمار، استعباد و استعمار سازمان دهی می‌شود. مترنمان این نغمه میهمان ویژه الهی‌اند؛ زیرا با نفی ربوبیت غیر خدا، پرستش، خضوع، خشوع، و رازگویی و نیازخواهی، مخصوص خداوند یگانه و یکتا خواهد بود. کسی که در سرزمین نزول وحی با زبان توحیدی آشنا می‌شود، مهم‌ترین ره‌آورد وی نزهت از هر طاغوت درون و بیرون و برائت از هر جالوت شرق و غرب خواهد بود.

چنین انسان موحدی که نه خود را دید و نه غیر خدا را مؤثر دانست، هر حرفی را کنار خواهد گذاشت و گوهر مقصود را خواهد دید و به آن دل می‌بندد و به وی سر می‌سپارد و در کوی او بدون هیچ داعیه‌ای معتکف خواهد شد؛ زیرا برای وی کاملاً معلوم می‌شود که:

روی گرد آلود برزی او که بر درگاه او آبروی خود بری گر آب روی خود بری

و نیز برای او روشن خواهد گشت که:

ای صدف جوی جوهر الآ جان و جامه بنه به ساحل لا

هست حق جز به نیست نگراید زاد این راه نیستی باید

تا تو از نیستی کله نهی روی را در بقا به ره نهی



کسی که در سرزمین نزول وحی با زبان توحیدی آشنا می‌شود، مهم‌ترین راه‌آورد وی نزاهت از هر طاغوت درون و بیرون و برائت از هر جالوت شرق و غرب خواهد بود. چنین انسان موحدی که نه خود را دید و نه غیر خدا را مؤثر دانست، هر حرفی را کنار خواهد گذاشت و گوهر مقصود را خواهد دید و به آن دل می‌بندد و به وی سر می‌سپارد و در کوی او بدون هیچ داعیه‌ای معتکف خواهد شد؛ زیرا برای وی کاملاً معلوم می‌شود که: روی گرد آلود برزی او که بر درگاه او آبروی خود بری گر آب روی خود بری

* ششم: همانطوری که نغمه توحید از زبان حضرت ختمی نبوت ﷺ از کنار کعبه به جهانیان رسید. نوای ملکوتی ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ نیز از جوار همین کعبه از زبان حضرت ختمی امامت، مهدی موجود موعود ﷺ به عالمیان خواهد رسید و باید در صیانت این سرزمین کوشید. شایسته است متولیان حرم الهی سعی بلیغ نمایند تا حقیقت توحید را به طور دقیق بررسی کنند و توسل، شفاعت و مانند آن را که همگی در ظل اذن خداوند و طبق اراده حاکم ربوبی که جهان بان و جهان بین است، صورت می‌پذیرد منافی توحید تلقی نکنند و آن را مانع وحدت مطلوب و هم‌آوایی مذاهب که مقصود اسلام است ندانند و با حاجیان و معتمران مهربانانه‌تر رفتار نمایند و در اسعاف نیازهای سفری آنان دوستانه‌تر بکوشند و نیز بایسته است که زائران حرمین شریفین همه آداب مناسک و مراسم را در کمال ادب دینی و احترام متقابل انجام دهند.

بانوان معزز و گرامی نیز در رعایت حجاب همانند عفاف کوشا تر باشند تا پیام جمهوری اسلامی ایران در سیره و سنت برخاسته از خواسته سربیره میهمانان سرزمین وحی، به ویژه دانشگاهیان گرانمایه که سرمایه ارزشمند کشورند کاملاً مشهود شود. مسئولان محترم ایران در عربستان برادران صمیمی شما هستند که سرافرازی خود در عربستان را مرهون علو همت

و اعتلای روح حاجیان و معتمران ایرانی می‌دانند و چون جریان مطاف و قبله از بارزترین مصادیق بیت رفیع الهی است، ره توشه خود را رفعت از حضيض و طبیعت قرار داده و از تجرد روح و معارف عالی آن بهره وافر برده شود تا همواره شما را همراهی نمایند.

مناجات مأثور از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام این است:

«إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا، أَنْتَ كَمَا أَحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ».

بار الها!

گر دُر عطا بخشی، آنک صدفش دلها در تیر بلا باری اینک هدفش جانها

امام زمانا علیه السلام :

گردد تو گردم همی، زیرا مرا هنگام سعی از مروت وز صفا هم مروه‌ای و هم صفا در پایان این پیام، قبولی اعمال همگان، به ویژه دانشگاهیان عزیز را از خدای کعبه - که خدای ازل و ابد است - مسألت دارم.

